

گفتگوی تلویزیونی با موضوع «انتظار»

**پناهیان: راهی جز «تمرین» برای احساس حضور در محضر حضرت سراغ ندارم / خلاصه ویزگی
منتظر: ۱. از خودگذشته ۲. مردم دوست / نقیصه بزرگ ما در تبلیغ دین در آموزش و پرورش و ... و علت آن /
در نامه ۳۱ اول پیغمبرشناسی داریم و بعد خداشناسی / اگر دل انسان پای امام حسین(ع) متحول نشود
آیا این انسان می تواند خداپرست شود؟!**

شب گذشته حجت الاسلام علیرضا پناهیان با حضور در برنامه ضیافت شبکه تلویزیونی قرآن، در یک گفتگوی زنده تلویزیونی به پرسش های مجری برنامه پیرامون مسئله انتظار پاسخ گفت. **گزیده هایی از این برنامه تلویزیونی را در ادامه می خوانید:**

همان طور که سخت است انسان خودش را همیشه در محضر خدا ببیند درک حضور امام زمان(ع) هم سخت است / باید تمرین و برنامه داشته باشیم

• **مجری: ما اعتقاد داریم که امام زمان(ع) در کنار ما زندگی می کنند و ساحت قدسی حضرت به وسعت همه زندگی و دنیای ماست، این ادب حضور را چطور باید رعایت کنیم و خودمان را پیش آن ساحت مقدس ببینیم؟**

• همان طور که سخت است انسان همیشه خودش را در محضر خدا ببیند، معمولاً برای ما درک حضور حضرت ولی عصر(عج) نیز کار دشواری است. ولی باید تمرین کنیم و برنامه داشته باشیم. مثلاً یک زمان هایی را اختصاص بدهیم و با وضو، رو به قبله بنشینیم و با یک حالت معنوی خودمان را در محضر امام زمان(ع) ببینیم و به خواندن دعاهایی که در این زمینه وارد شده است، مانند دعای ندبه و دعای عهد بپردازیم. حتی در این شب های ماه مبارک رمضان، خواندن دعای افتتاح که یکی از اصلی ترین دعاهای شب های ماه مبارک رمضان است در این زمینه خوب است و شاید یک سوم دعای افتتاح به وجود نازنین حضرت ولی عصر(عج) اختصاص پیدا کند. اگر خودمان را در چنین شرایطی قرار دهیم انگار در حرم امام رضا(ع) هستیم و می توانیم خود را در محضر حضرت ببینیم.

احساس حضور را باید خودمان با تمرین و برنامه های مداوم ایجاد کنیم

• نباید انتظار داشته باشیم که یک معجزه ای رخ بدهد و ما را به در خیمه حضرت ببرند، یا اینکه یک شی رویای صادقی از حضرت ببینیم، یا اینکه کسی که در ارتباط با حضرت است بیاید و با ما ارتباط برقرار کند. این احساس حضور را باید خودمان با تمرین و برنامه های مداوم برای خودمان ایجاد کنیم. اگر برنامه ما هفته ای یک بار یا روزی یک بار است، در آن ساعت مشخص متوجه حضرت بشویم. یا اگر در شب های ماه مبارک رمضان است، هر شب که می خواهیم دعای افتتاح بخوانیم که تقریباً حدود نیم ساعت طول می کشد، در فرازهای پایانی این دعای شریف و ده دقیقه آخر این دعا، خودمان را در محضر حضرت ببینیم.

• این برنامه عملی و همین تلقین کردن، که حضرت امام(ره) می فرمودند: تلقین بسیار مؤثر است، می تواند لحظاتی ما را در محضر حضرت قرار دهد. (حضرت امام(ره): یکی از چیزهایی که برای ساختن انسان مفید است تلقین است. انسان خودش هم اگر بخواهد

ساخته بشود، باید آن مسائلی که مربوط به ساختن خودش است تلقین کند به خودش، تکرار کند. یک مطلبی که تأثیر در نفس انسان باید بکند، با تلقینات و تکرارها بیشتر در نفس انسان نقش پیدا می کند. (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۹۷)

در مناجات با پروردگار عالم، یکی از مهمترین مسائلی که از آن باید سخن بگوییم، سخن گفتن درباره اولیا، خداست

• دعاهایی که ذکر انبیاء و اولیاء خدا در آن دعاها زیاد است و در آنها به سراغ اولیای خدا می رویم (مانند دعای سمات) یک آموزشی به ما می دهند و آن آموزش این است که در مناجات با پروردگار عالم، یکی از مهمترین مسائلی که از آن باید سخن بگوییم، سخن گفتن درباره اولیاء خداست. در دعای ندبه هم شما دوباره همین مسأله را می بینید. دعای ندبه، از ذکر انبیاء الهی شروع می شود و تا ذکر اهل بیت(ع) ادامه پیدا می کند.

• اینکه ما در محضر اولیاء خدا باید مؤدب و با رعایت کمال احترام باشیم، این را خود ما باید برای خودمان ایجاد کنیم. باید این رعایت ادب و احترام را تمرین کنیم تا کم کم در همه زندگی مان توسعه پیدا کند. اگر ما نتوانیم در آن ساعتی که دعای عهد (یا دعای افتتاح در شب های ماه مبارک) می خوانیم، اگر در آن چند لحظه نتوانیم خودمان را مؤدب کنیم، طبیعتاً خیلی سخت است در طول زندگی خودمان را در محضر حضرت ببینیم.

راهی جز تمرین برای درک و احساس حضور سراغ ندارم / استغفار هم باید خود را در محضر حضرت باشد

• به ما یاد داده اند هر روز صبح که از خواب بلند شدید با مولای خودتان تجدید عهد کنید و این یک تمرین برای آن احساس حضور است. بنده راهی جز این تمرین برای درک و احساس حضور ندارم، ضمن اینکه هر موقع ما استغفار می کنیم باز باید خودمان را در محضر حضرت ببینیم.

• در واقع استغفار ما از پروردگار عالم همیشه منوط به این است که از حضرت ولی عصر(عج) هم عذرخواهی کنیم. و همیشه منوط به این است که حضرت را شفیق قرار دهیم. یعنی این استغفار که ذکر دائمی ما باید باشد، و این حال توبه و انابه همیشه باید در رفت و برگشت در محضر حضرت بقیه الله الاعظم باشد.

سوره حجرات به ما تعلیم می دهد که چگونه به مولای خودمان احترام بگذاریم

• آیات قرآن در این زمینه راهنمای خوبی هستند. سوره حجرات را وقتی نگاه می کنیم می بینیم این سوره به ما تعلیم می دهد که چگونه به مولای خودمان احترام بگذاریم. لذا در روایتی می فرماید هر کس سوره حجرات را روزی یک بار بخواند نامش جزء زائرین پیامبر(ص) ثبت می شود. (مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْحَجْرَاتِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ أَوْ فِي كُلِّ يَوْمٍ كَانَ مِنْ زُورِ مُحَمَّدٍ ص؛ ثواب الاعمال صدوق/ ۱۱۵) چرا این طور است؟ چون در این سوره آداب حضور در محضر پیامبر اکرم(ص) طی دو آیه بیان شده است. ببینید همین مسأله چقدر اثر دارد که اگر ما هر روز این رعایت آداب را در یک سوره قرآن تلاوت کنیم جزء زائرین حضرت محسوب می شویم. جدای از اجرهای فراوانی که برای تلاوت این سوره نوراتی بیان شده است. پس برای درک حضور تمرین حضور لازم است.

خلاصه ویژگی‌های یک منتظر: ۱- خودش را دوست نداشته باشد ۲- مردم را دوست داشته باشد

- **مجری: افتخار همه ما این است که منتظر ظهور حضرت هستیم و سعی می‌کنیم که برنامه زندگی ما و رفتار و سکنات ما به گونه‌ای باشد که مورد رضای حضرت باشد، اما این باید یک نمودی داشته باشد یعنی چه ویژگی‌هایی باید در ما باشد، در زندگی فردی و اجتماعی ما چه شاخصه‌هایی باید باشد که به معنای واقعی در زمینه انتظار متفاوت با بقیه باشیم؟ ما که ادعا می‌کنیم شیعه و منتظر هستیم رفتارمان باید چگونه باشد؟**

ویژگی‌های یک منتظر را شاید بتوان در دو کلمه جمع کرد: یکی اینکه خودش را دوست نداشته باشد و دیگر اینکه مردم را دوست داشته باشد. چون امام زمان(ع) از جنس محبت به خلق خدا و از جنس خدمت به مردم و از جنس دوست داشتن مردم است و اصلاً امامت یعنی همین. امام مانند مادر مهربانی نسبت به طفل شیرخوار خود است. (امام رضا(ع): **أُمُّ الْبَرَّةِ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ كَأُمِّ الْيَتَامَى**) لذا هر کسی نتواند آدم‌ها را دوست داشته باشد او نمی‌تواند یک منتظر درست و حسابی باشد.

• یکی از یاران امام صادق(ع) از حضرت پرسید آیا مقام ما که یاران شما هستیم بالاتر است یا مقام یاران آخرین امام وقتی که ظهور می‌کند؟ (یعنی تصور کنید دو نفر در شرایط فردی مساوی هستند، یکی از آنها یار امام صادق(ع) باشد و دیگر یار امام زمان(ع) باشد) حضرت فرمودند مقام شما بالاتر است چون امام شما غریب است ولی امام آنها در اوج اقتدار به سر می‌برد و این اجر غریب شما را ندارد. بعد آن شخص پرسید: پس چرا ما برای فرج دعا کنیم؟ ما که الان مقام بهتری داریم! حضرت به او فرمود: آیا نمی‌خواهید ظلم برطرف شود؟ آیا نمی‌خواهید همه با خدا آشنا شوند؟ این نگاه امام صادق(ع) به امر فرج از جنس محبت به خلق خداست. اصلاً انتظار همین است. (عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ الْعِبَادَةُ مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الْمُسْتَبْرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ أَفْضَلُ أَمْ الْعِبَادَةُ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ وَ دَوْلَتِهِ مَعَ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ مِنْكُمْ؟... فَقُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَمَا تَتَمَنَّى إِذَا أَنْ نَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الْقَائِمِ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ؟ ... ؛ كمال الدين و تمام النعمه / ج ۲ / ص ۶۴۵)

الان مقام‌مان می‌تواند از یاران امام صادق(ع) و مؤمنین پای رکاب امام زمان(ع) بالاتر باشد

- الان که امام ما غریب است، الان که ما با این همه مظلومیت در اندازه‌های کلان داریم زندگی می‌کنیم، مقام‌مان می‌تواند فی‌نفسه از آدم‌های پای رکاب امام زمان(ع) بالاتر باشد؛ الان خداوند گناهان ما زودتر می‌بخشد، ثواب‌های ما را بیشتر تحویل می‌گیرند. بالاخره امکانات دوران پس از ظهور آقا امام زمان(ع) الان وجود ندارد. ضمن اینکه مقام‌مان می‌تواند از یاران امام جعفر صادق(ع) یک پله بالاتر باشد، چون آنها امام خود را می‌دیدند ولی ما الان امام زمان خود را نمی‌بینیم. البته ما اگر بعد از ظهور حضرت در محضر ایشان قرار بگیریم، از این جهت که با سهل‌تر و با امکانات بیشتری دین‌داری می‌کنیم، یک مقدار مقام‌مان پایین می‌آید.
- الان شاید بعضی‌ها بپرسند اگر الان که در دوره غیبت هستیم، و راحت‌تر گناهان‌مان بخشیده می‌شود و ثواب‌های ما بیشتر تحویل گرفته می‌شود پس چرا باید برای فرج دعا کنیم؟ پاسخ این است که به خاطر نجات مظلومین عالم برای فرج دعا کنیم، امروز این همه در دنیا افراد مظلوم وجود دارد، این همه انسان‌های محروم از معارف عالی معنوی در عالم هست؛ باید به فکر اینها باشیم.

یک منتظر واقعی، غصه بقیه انسان‌ها را می‌خورد و این مسأله در رفتار و در سبک زندگی او مشخص می‌شود

- یک منتظر واقعی، غصه بقیه انسان‌ها را می‌خورد و این مسأله در رفتار و در سبک زندگی او مشخص می‌شود، این مسأله در قضاوتش نسبت به دیگران مشخص می‌شود، دیگر به این سادگی نسبت به هر گنهکاری قضاوت نمی‌کند و او را به جهنم نمی‌فرستد و خودش را به بهشت نمی‌فرستد.
- امیرالمؤمنین(ع) در یکی از کلمات قصار نهج البلاغه که طولانی‌ترین آنها محسوب می‌شود و خواندن آن به همه دوستان پیشنهاد می‌شود، ویژگی‌ها و آسیب‌هایی را بر می‌شمرند که در بسیاری از افراد مذهبی دیده می‌شود. (لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بَغَيْرِ عَمَلٍ...؛ نهج البلاغه/حکمت ۱۵۰) این افراد کسانی هستند که از سر بی‌اعتنایی به مردم دچار یک غرور دینی شده‌اند و ویژگی‌هایی که در این کلام حضرت برشمرده می‌شود روحیات یک فرد منتظر نیست.

منتظر باید ویژگی مردم‌دوستی و تعلق خاطر داشتن نسبت به آدم‌ها را داشته باشد/ اگر ما برای مردم

سوریه، مصر، بحرین غصه می‌خوریم به خاطر همین ویژگی است / انقلابی‌گری ما هم از باب دوست داشتن مردم است / آدم خودخواه بوی انتظار را نخواهد داشت

- **منتظر باید ویژگی مردم‌دوستی و تعلق خاطر داشتن نسبت به آدم‌ها را داشته باشد. الان هم انقلابی‌گری ما باید بر اساس همین ویژگی باشد. اگر ما برای مردم سوریه، مصر، بحرین و حتی برای مردم مظلوم کشورهای اروپایی غصه می‌خوریم، به خاطر همین ویژگی مردم‌دوستی و تعلق خاطر به انسان‌هاست. انقلابی‌گری ما نیز از همین باب دوست داشتن مردم است. حالا شما فرض کنید یک کسی خودش را منتظر می‌داند ولی آدم سیاسی‌ای نیست، یعنی برایش مهم نیست که قدرت دست چه کسانی است، آیا او واقعاً یک منتظر است؟!**

- ویژگی دیگر منتظر این است که خودش را دوست ندارد و خودخواه نیست. یعنی اگر کسی بخواهد خودش را دوست داشته باشد بوی انتظار را نخواهد داشت. یعنی اگر خوبی‌هایی دارد، در اثر این خوبی‌ها عجب نداشته باشد، اگر می‌بیند دوستان، اطرافیان و اهل بیتش حق او را ضایع می‌کنند، راحت می‌بخشد. اینها حالات یک منتظر است.
- دیگران را دوست داشتن و خود را دوست نداشتن یا از خودگذشتگی، دو بال هستند که می‌توانند منتظر را به پرواز در بیاورند.

نقیصه بزرگ ما در تبلیغ دین این است که معمولاً جایگاه امام را در «دینداری» و «خوب بودن»، جایگاه ضعیفی می‌پنداریم

- **مجری: گاهی ما در زندگی روزمره خودمان، به همه چیز حواسمان است، نمازمان را می‌خوانیم، ادعیه را می‌خوانیم، روزه را می‌گیریم اما دغدغه مورد پسند امام زمان(ع) بودن را نداریم، چه کار کنیم که این مسأله برای ما مهمتر بشود؟**

- یک حقیقت خیلی مهمی را عرض کنم. ما مناسبانه در آموزش و پرورش، در تبلیغات عمومی، و در بسیاری از متون دینی‌ای که در جهت تبلیغ تولید می‌کنیم، یک نقیصه بسیار بزرگ وجود دارد. آن نقیصه بزرگ هم این است که معمولاً جایگاه امام را در دین و دینداری و اخلاق و خوب بودن، جایگاه ضعیفی می‌پنداریم و جایگاه حقیقی امام را بیان نمی‌کنیم.

در قرآن کریم مسأله اطاعت از پیغمبر و امام درشت‌تر از اطاعت از خدا آمده است/ در دین‌شناسی خودمان باید تجدید نظر کنیم

- در قرآن کریم، هر موقع خداوند از اطاعت خودش سخن گفته است در کنار اطاعت از خودش اطاعت از رسول را هم ذکر کرده است؛ یعنی به تعبیر مختلف هر جا بحث اطاعت از خدا بوده، اطاعت از رسول هم ذکر شده است جز یک مورد که به صورت کلی‌تری بیان شده است. حتی از این هم فراتر، در قرآن یازده مرتبه اطاعت از رسول ذکر شده است که در کنارش اطاعت از خدا ذکر نشده است، البته نه اینکه اطاعت از خدا را حذف کرده باشد. عبارت «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» یازده بار در قرآن آمده است، یعنی تقوی خدا را داشته باشید و از من اطاعت کنید. این عبارت از جانب انبیاء مختلف الهی ذکر شده است.

- **بنابراین در قرآن کریم مسأله اطاعت از پیغمبر و اطاعت از امام در جانشینی پیغمبر درشت‌تر از اطاعت از خدا آمده است. ما اصلاً در دین‌شناسی خودمان باید تجدید نظر کنیم. حضور امام و پیغمبر در دین فوق‌العاده برجسته‌تر از این آموزش‌های عمومی‌ای است که ما می‌دهیم و فوق‌العاده برجسته‌تر از بسیاری از تبلیغات دینی‌ای است که ما انجام می‌دهیم. اگر بحث اخلاقی‌ای صورت بگیرد که در آن رعایت اخلاق و آداب نسبت به امام زمان (ع) مطرح نشود آن بحث ابرتر است و یک بحث وارداتی است؛ اخلاق یونانی است که آورده‌ایم و آن را اسلامیزه کرده‌ایم.**

یک مقدار زیارت جامعه دین ما ضعیف است و امام‌شناسی ما عمیق نیست

- شما در سوره حجرات می‌بینید که در صدر اخلاقیات، اخلاق نسبت به پیامبر (ص) ذکر شده است، یعنی اول می‌گوید نسبت به پیامبر (ص) چگونه باید اخلاق را رعایت کنیم بعد نسبت به سایر مردم.
- اینکه ما اساساً بدانیم جایگاه پیغمبر و امام در دین ما کجاست خیلی مهم است. نه اینکه تصور کنیم دین یک چیزی است بین ما و خدا، ولی چون ایشان پیامبر ما بوده‌اند و زحمت کشیده‌اند به ایشان احترام می‌گذاریم و وقتی نام ایشان ذکر شد عرض ارادتی می‌کنیم و صلواتی می‌فرستیم و عبور می‌کنیم. در حالی که پیامبر گرامی اسلام (ص) در نماز ما هم حضور دارد، درود بر پیامبر اکرم (ص) و شهادت به نبوت او در نماز ما حضور دارد. من فکر می‌کنم یک مقدار زیارت جامعه دین ما ضعیف است، یک مقدار امام‌شناسی ما عمیق نیست.

از آنجایی که علمای ما بیشتر با ملحدین درگیر بوده‌اند اصول عقاید ما هم شکل درگیری با ملحدین را پیدا کرده است

- **مجری: ایراد کار کجاست؟**

- **ایراد کار این است که ما خیلی از اوقات آمده‌ایم دین را برای کسانی که اساساً منکر خدا بوده‌اند، اثبات کنیم یا بیان کنیم، و این باعث شده است اصول عقاید ما شکل خاصی پیدا کرده است. به عبارت دیگر، از آنجایی که علمای ما بیشتر با ملحدین درگیر بوده‌اند اصول عقاید ما هم شکل درگیری با ملحدین را پیدا کرده است و لذا فکر می‌کنیم واقعاً مهمترین مسائل اعتقادی ما همین مسائلی هستند که در مواجهه با ملحدین بیان می‌شود.**

در نامه ۳۱ نهج البلاغه که اولین سند مکتوب آموزش دین به جوانان است، اول پیغمبرشناسی داریم و بعد خداشناسی

- شما اگر نامه سی و یکم نهج البلاغه که اولین سند مکتوب در آموزش دین به جوانان است را ببینید در این نامه اول پیغمبرشناسی داریم و بعد خداشناسی. چون اصلاً این پیغمبر آمده است و از خدا برای ما خبر آورده است؛ معنا ندارد ما این پیغمبر را فعلاً کنار بگذاریم!
- امیرالمؤمنین (ع) در این نامه می‌فرماید: این پیامبر بیشترین خبر را از خداوند برای تو آورده و هیچ کس مانند او از خدا برای تو خبر نیاورده است، او را راهنمای خودت انتخاب کن و از او راضی باش (وَ اعْلَمْ يَا بَنِيَّ أَنْ أَحَدًا لَمْ يُنْبِئُ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ كَمَا أَنْبَأَ عَنْهُ الرَّسُولُ ص [عَلَيْهِ نَبِيْنَا ص] فَأَرْضَ بِهِ رَأْتِدَا وَإِلَى النَّجَاةِ قَائِدًا؛ نهج البلاغه/ نامه ۳۱) و بعد درباره خدا سخن می‌گوید. یعنی حضرت اول از پیامبر (ص) شروع می‌کند.

خود پیامبر (ص) هم وقتی دعوت را شروع کردند اول از خودشان شروع کردند

- خود پیامبر (ص) هم وقتی دعوت را شروع کردند اول از خودشان شروع کردند. ایشان در اولین سخنرانی دینی خود فرمودند: ای مردم! آیا به من اطمینان دارید؟ مردم گفتند بله! بعد فرمودند: این قدر اطمینان دارید که اگر من بگویم پشت این تپه دشمن هست، شما بدون اینکه بروید بررسی کنید به سخن من یقین داشته باشید و بروید اسلحه خود را بردارید؟ مردم گفتند بله. بعد حضرت فرمود: حالا من به شما می‌گویم خدایی هست، قیامتی هست و من پیامبر شما هستم. یعنی حضرت ابتدا از خودشان شروع کردند.

اگر دل انسان پای امام حسین (ع) متحول نشود آیا این انسان می‌تواند خداپرست شود؟!

- ما گاهی اوقات در مسیر تربیت می‌گوییم که از امام حسین (ع) شروع کنیم و بگوییم: یک چنین آقایی هست، شما نظرتان نسبت به ایشان چیست؟
- اگر دل انسان پای امام حسین (ع) متحول نشود شما باور می‌کنید این انسان خداپرست شود؟ باور می‌کنید که قلبی علاقمند به پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) نشود بعد این قلب خداپاور شود؟ ولی خدا مانند خودمان انسان بوده و در تاریخ وجود داشته و می‌توانیم او را تصور کنیم و داستان‌های او را بشنویم، حالا اگر کسی که به او ارادت نرورد آیا می‌تواند به خدا ارادت بورزد؟

معارف دینی ما - بر اساس قرآن کریم و زیارت جامعه - خیلی پیامبر محور و امام محور است

- ما اصلاً باید در معارف دینی خودمان تجدید نظر کنیم؛ معارف دینی ما بر اساس قرآن کریم و زیارت جامعه، خیلی پیامبر محور و امام محور است که البته امام هم جانشین پیامبر است. اگر این مسأله جایفتد، وقتی می‌گوییم در ماه رمضان مهمان خدا هستیم خود به خود خواهیم گفت که مهمان خدا و امام زمان(ع) هستیم و در محضر امام زمان(ع) هستیم.

خدا با خصلت سنت‌گزیزی‌ای که به جوان داده او را وادار کرده که اگر دین می‌خواهد خودش باید برود و به دنبال آن بگردد

- **مجری: من پدر و مادرم مسلمان هستیم در نتیجه خودم هم مسلمان هستیم، یعنی وراثتی مسلمان هستیم اما اگر نروم و راجع به دینم تحقیق کنم و به دین خودم معرفت پیدا کنم و بشناسم و بتوانم از دینم دفاع کنم، آیا در این صورت جایگاه من به عنوان مسلمان، همان جایگاه رفیعی که قرآن یاد کرده است خواهد بود یا اینکه در آن خللی وارد می‌شود؟**

- مسلماً جوان‌ها به دلیل سنت‌گزیزی‌ای که در آنها وجود دارد زیاد تسلیم پدر و مادرهای خود نمی‌شوند و این خصلت را خداوند قرار داده است برای اینکه هر کسی روی پای خودش بایستد.

- جوان اگر بررسی و مطالعه نکند و فطرت پاک خودش را هوشیار نکند و به بیداری فطرت نپردازد حتی ممکن است از رفتار متدینانه پدر و مادرش به عنوان امری که از مُد افتاده و برایش تکراری شده است بیزار شود. لذا جوان‌ها همه باید روی پای خودشان بایستند و خدا هم با خصلت سنت‌گزیزی‌ای که به جوان‌ها داده است آنها را وادار کرده است به اینکه اگر دین می‌خواهند، خودشان باید بروند و به دنبال آن بگردند. لذا معمولاً جوان‌ها وقتی می‌روند با بررسی متدین می‌شوند از پدر و مادرهای خود محک‌تر دیندار می‌شوند و محک‌تر منتظر می‌شوند و ارادت بیشتری به اهل بیت(ع) پیدا می‌کنند.

